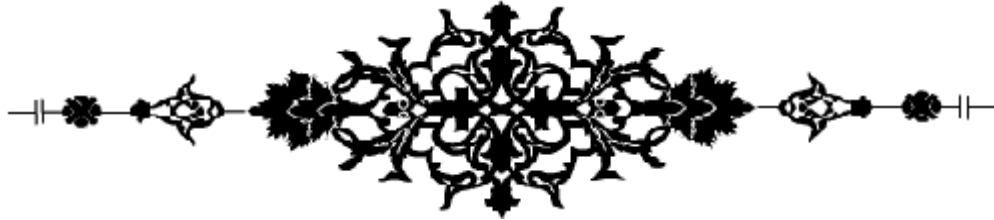


هرمزگانی دات نت



مهراب بهرامی متولد فروردین 1358 است و از سال 72 کار موسیقی خود را همزمان با برادر دیگرش مهرشاد در گروه مزیونه در دبی آغاز کرده است. اولین آلبومی که در آن همکاری داشته و اولین آلبوم مهرشاد نیز می باشد به نام سحر و از همان گروه مزیونه بوده است. سپس گروه دیگری به نام یاران تشکیل دادند و به اجرای هنری برای ایرانیان مقیم دبی در اعیاد و جشنهایی مانند 22 بهمن و نوروز می پرداختند. او دوره زبان انگلیسی را در British Council دبی گذرانیده است

رشته ریاضی و در مدرسه ایرانیان سخت مشغول درس خواندن بودم و نمیتوانستم به استودیو و کارهایم برسیم شب و روز درس می خواندم که دانشگاه قبول شوم و دبی در آن زمان امکانات زیادی در این زمینه نداشت. مدرسه صدای استرالیا برایم جور شد اما استطاعت مالی نداشتیم و اینکه استرالیا جای پیشرفتی برای من مهرباب نداشت، تهران دانشکده صدا و سیما قبول شدم اما متأسفانه مشکلاتی پیش آمد که نرفتم. 26 شهریور روز خاطره انگیزی برای مهرباب است چون می گوید: 26 شهریور سالروز ورودم به وطن است.

مهرباب سال 1376 به ایران آمد و خود را برای خدمت سربازی آماده می کرد که دانشگاه آزاد رشته فیزیک کاربردی قبول شد و به تهران رفت. مهرباب می گوید: دوستی از دبی مرا در تهران به آقای عابدین که یکی از اساتید با سابقه کشور بوده و با موزیسینهای بزرگ کشور کار کرده بود معرفی کرد و من حدود 4 ماه دستیار ایشان بودم. پس از مدتی کار فضا برایم به نحوی محدود شد. و پس از آن حدود یکسال در تهران صدا برداری نکردم.

مهرباب خاطره ای دیگر از ملاقاتی مجدد با مرحوم ناصر عبداللهی دارد - : ملاقات بعدی من با ناصر و در واقع برخورد اتفاقی ام با وی در همان استودیوی صبا بود که اولین باری که مرحوم ترانه ای را در آنجا اجرا کرد برای ضبط کار سوگ مهرباب آمده بود که آن صدای ناصر هنوز در ذهنم نقش بسته است. آقای خلعتبری به قاسم عابدین گفت یک صدا برایت آورده ام که تابحال اصلاً نشنیده ای و از جای بگری برایت صدا آورده ام. در حالیکه ما در اتاق نشیمن حضور داشتیم ناصر مستقیماً به اتاق سکوت رفت. در آن هنگام من دستیار صدا بودم میکروفن را گرفتم و گفتم شما آقای عبداللهی هستید؟ ناصر گفت: بله شما منو می شناسین؟ به بندر عباسی گفتم آگه مه ریش پروفیسوریم و اگر شما بی مه اشناسی؟ (آگه ریش پروفیسوری ام را بردارم منو می شناسی؟) گفت بندری هستی؟ گفتم من برادر علی بهرامی هستم. گفت مهرشادی؟ گفتم نه مهربابم. گفت چقدر بزرگ شدی. آن شب تا ساعات 11 یا 12 شب در استودیو بودیم، پیانوی سفیدی هم در اتاق سکوت وجود داشت ناصر برایمان ترانه خواند شهلا، آسمون ابری

پس از اقامت مرحوم ناصر عبداللهی در تهران اواخر سال 1378 حسین گردین و محمد محترم پناه به تهران آمدند و در فرهنگسرای ارسباران کلاس می رفتند و مهرباب می گوید خاطرات دل انگیزی از آن دوران با بچه های بندرعباس در تهران دارد ، مرحوم ناصر عبداللهی ، حسین گردین ، محمد محترم پناه ، فرخ رئیسی ، سعید محبی و . . .

به سعید محبی که می رسیم لبخندی بر لبان مهرباب نقش می بندد و خود را برای شنیدن خاطره ای دیگر آماده می کنیم . مهرباب می گوید : سعید محبی مدتها هم دانشگاهی من بود اما همدیگر را ندیده بودیم . روزی حسین گردین به من گفت بیا با یکی از بچه ها آشنایت کنم بد نیست من و سعید محبی که همدیگر را دیدیم از او پرسیدم کجا درس می خواند و او گفت تهران شمال و این ابتدای آشناییم با سعید محبی نیز بود .

مهرباب کار خود را در استودیوی خانگی دنبال کرد و پس از آن مکانی را از شهرداری اجاره گرفتند و استودیوی را راه اندازی کردند به نام پیام رسا که به گفته ایشان کارهای بسیاری را در این استودیو ضبط کردند مثل کارهای سنتی رسول کارگشا و

سال 1381 تحصیلات وی به پایان رسید متاهل شد و همزمان موعده خدمت سربازی رسید مهرباب می گوید : خیالم راحت بود که به واسطه تاهلم حتما مکان خدمتم بندرعباس می باشد اما اسم همه را خواندند غیر از آن چیزی که در بندرعباس نبود یعنی نیروی زمینی و من برای خدمت به تهران اعزام شدم بیش از 4 ماه هم دوره آموزشی ام بود و در واقع گسیختگی من از موسیقی این موقع بود با این حال گیتار خود را از دست ندادم و کار می کردم رضا صادقی هنوز معروف نشده بود اما کارهایش را که می بردم آنجا همه می گفتند عجب خواننده خوبیست . در محل خدمت با مجید ذاکری آشنا شد البته خودش می گوید یکی از افتخاراتش آشنایی با مجید ذاکری بوده است . پس از پایان دوره خدمت دوباره به دبی بر می گردد اما از ایران به او اطلاع می دهند که به واسطه قبولی اش در آزمون صدا و سیما مجددا باید برگردد . مهرباب می گوید : چون شغلم صدابرداری و لیسانس فیزیک بود

هیچ مشکلی نداشتیم و پس از طی مراحل راحت جذب سازمان شدم و اکنون هم کارمند رسمی صدا و سیما هستم .
مهراب قبل از اینکه کارمند صدا و سیما شود مجوز تاسیس استودیوی صدایش هم صادر شده بود . شروع کار استودیوی مهراب آذر 1383 بوده است .



مهراب می گوید : نوازندگی ام را زودتر از صدابرداری ام آغاز کرده ام و شاید از خیلیها بهتر بنوازم اما من یک صدابردار هستم و بدون ادعا بگویم که یک صدابردار خوب هستم زیرا با صدا زندگی کرده ام ، از 13 یا 14 سالگی زیر دست و پای استودیو بوده ام .

از ترانه های مشهوری که البته به طور مشترک تنظیم کرده ام را می توانم از ترانه هادی آرمین (از وقتی رفتی تنگه ببندی) را بگویم یا تیتراژهای تلویزیونی مثل

شو و اشو، رد پا، پاتوق و نوای دل برای جام جم و به طور کلی، تیتراژهای تلویزیونی خیلی کار کرده ام، آلبوم هم خیلی زیاد داشته ام و از کارهای استانی می توانم بدون اغراق بگویم هشتاد و پنج درصد کارها را من صدابرداری کرده ام البته دوست ندارم با این حرف کسی بگوید مهرباب آدم پرمدعایی است به نظر خودم خیلی پر کار هستم و هدفم این بوده که بخواهم برای استانم مفید باشم و گر نه بدون منت بگویم که به راحتی می توانم دبی یا تهران با درآمد بالا کار کنم.



مهرباب در ادامه صحبت‌هایش به نکته ای اشاره می کند اینکه می توانست نام استودیویش را مثلا استودیوی مرکزی بندرعباس انتخاب کند اما نام استودیو مهرباب شد تا وی خود را موظف به کار در استودیو کند و باز هم در این رابطه از خود او بخوانید: برای استانم هر کاری که از دستم بر آمده دریغ نکرده ام و استودیو مهرباب را تبدیل به دکان نکرده ام به همه هنرمندانی که با این استودیو کار کرده اند گفته ام هر وقت توان مالی داشته اند هزینه استودیو را پرداخت کنند و به بعضی ها هم گفته ام اصلا نمی خواهم. اسم نمی آورم اما بعضیها هم آمدند اینجا ضبط کردند و معروف شدند و هیچ پولی هم پرداخت نکردند و من هم مطالبه نکردم چون هدف من صرفا پول

در آوردن نیست ، کارمند هستم و می توانم به فعالیتیم در صدا و سیما برسم و به اندازه هزینه خانواده ام پول به دست بیاورم .

از مهرباب پرسیدیم که نامت را باید با کدام (ه - ح) نوشت ، ظاهرا کمی غافلگیر شد و کمی بیشتر هم خوشحال ، شاید هم یکی از حرفهای دل مهرباب بود با هم می خوانیم :

دو مهرباب هست مهرباب - محراب اما مهرباب بهرامی که من باشم مهرباب است و خیلی جاها اسم مرا اشتباه می نویسند ، آخرین کارتیتر اثر تلویزیونی که انجام داده ام به نام مدرسه حشرات است که اسمم را همکاران خودم هم به اشتباه محراب نوشته اند ، مهرباب یعنی خورشید پرست در اساطیر ایرانی نام پدر زن رستم مهرباب بوده است و این نام ایرانی است .

از آثار و افتخارات مهرباب آلبوم سنتی بغض عشق آقای رسول کارگشا ست که توسط شرکت سروش پخش و بسیار مطرح شد .

کارهای کشوری دیگر مانند آقای پور احمد ، کنور تبریزی و کیانوش بلالی پور و بسیاری دیگر که ضبط شده اند و منتظر صدور مجوز هستند . او در این رابطه نیز حرفهایی برای گفتن داد :

متأسفانه چون موسیقی هرمزگان قالب خاصی دارد خیلی زیر ذره بین می رود و مجوز نمی دهند و در واقع مرجعی برای موسیقی هرمزگان نداریم ، ریتمهای بندرعباسی را حذف می کنند چون با کمال تأسف همه اشان تصور می کنند موسیقی بندرعباس مبتذل است و این یک اشتباه بزرگ است و من مهرباب بهرامی هر قدر تلاش می کنم نمی توانم آنها را از این اشتباه آگاه کنم و نمی دانم چرا ، آیا چون تریبون نداریم ، پای باندهای مافیایی وسط است به خدا نمی دانم چه بگویم چون به نتیجه مشخصی نمی رسیم چون کسی که در تهران نشسته است حتی اگر فوق تخصص موسیقی محلی هم باشد نمی تواند در مورد موسیقی فولکلور هرمزگان که در خون من و قنبر راستگو و یک شخص هرمزگانی است نظر بدهد و تصمیم بگیرد و این یک حقیقت محض است ، شاید علم داشته باشد اما صلاحیت نظر در این حیطه را ندارد چون موسیقی را نمی توان درون چارچوب قرار داد در واقع هنر را نمی توان در چارچوب محبوس کرد و هنگامی که در چارچوب حبس می کنی می شود همین موسیقی رپ که امروزه می بینیم دارد مبتذل می شود در واقع رپ مبتذل نیست اصلا هیچ هنری مبتذل نیست ، هنر

یعنی تجلی روح انسان ، انسان هر چه در وجودش است را بفرستد بیرون حالا ممکن است در قالب نقاشی ، سینما ، تئاتر حتی حرکات موزون و غیره باشد .
هرمزگانی دات نت : مشترکات زیادی موسیقی ما با کشورهای همسایه امان دارد در واقع به نوعی ریشه در یک منشا دارد حالا چرا ما توقف کرده ایم و آنها به این سرعت حرکت می کنند ؟

مهراب بهرامی : من خودم خارج از کشور و در همین کشور همسایه و شهر دبی موسیقی کار کرده ام باید بگویم جشنواره ای که به نام جشنواره نوروزی پیپا فروردین امسال (1387) برگزار شد یک موهبت است . چنین جشنواره ای سال 73 دردی برگزار می شد پس دقت کنید 13 یا 14 سال پیش ما این جشنواره را آنجا برگزار می کردیم ، گروهها می آمدند و اجرا می کردند یا سوژه انتخاب می کردیم برای جشنواره کاست مثلا مادر ، ترانه هایشان را می خواندند و بهترین کار را مردم انتخاب می کردند آن موقع که دیگر سایت و وبلاگ و اینجور چیزها نبود که بخواهند نظرسنجی کنند و مردم همانجا نظر می دادند ، کشوری که فرهنگ و تمدن آن به قدمت چند دهه بیشتر نیست اما ما چه ؟ ما که این تمدن عظیم را داریم ما هرمزگانیها که پرتغالیها ، انگلیسیها را همینجا شکست دادیم چه ؟ بحث اصلی اینجاست که ما در بعد فرهنگی اشاعه نداریم یعنی اینکه ما هیچ وقت نتوانسته ایم فرهنگمان را ساطع کنیم . با شنیدن صدای طبلا همه آماده شنیدن موسیقی هندی می شوند حالا شما بیا و دهل و کسر بزن همه از همدیگر می پرسند چه می زنند آفریقایی می زنند ؟ چرا ؟ چون اولاً ما تریبون برای حرف زدن نداریم ثانيا خیلی فیلتر داریم و این فیلتر خود سانسوری ماست مشکل از دولت نیست حقیقتا دولت خیلی خوبی داریم راه را برای همه گشوده و الان دیگر شرایط سخت چندین سال پیش نیست ما خودمان مشکل داریم ، برای پیشرفت یک نوازنده باید نوازندگی کند ، تمرین کند اما کجا تمرین کند ؟ مکان نداریم . یک استودیو باید صدا ضبط کند صدای چه کسی ضبط کند ؟ خواننده حامی مالی ندارد . مهراب بهرامی چقدر می تواند برای مردم مجانی کار کند ؟ بحث من کلی است . چند فرهنگسرا در هرمزگان داریم ؟ با شک و تردید می شود گفت دو فرهنگسرا حالا چند تا بازار ستاره و مرکزی و زیتون و نیلی و ... در همین بندرعباس وجود دارد ؟ پس پیشرفت فرهنگی باید با فرهنگسراها ، خانه های فرهنگ باشد اما ما نداریم و جالب است که هیچ مسئولی قبول نمی کند که نداریم . صحبت از

دبی شد خوب شما هر مکانی در آنجا بروید جشنواره های متعدد موسیقی و هنری و فرهنگی برگزار می شود هر روز یک برنامه فرهنگی و هنری دارند . اما برنامه های فرهنگی و هنری ما مثلا هشتم فروردین جشنواره نوروزی تمام شد ، بیستم همین ماه یک نمایشگاه عکس برگزار می شود و در این فاصله ده روزه بچه های بندرعباسی باید اوقات فراغتشان را در فروشگاهها و مراکز تجاری به بطالت بگذرانند مثلا خود شما (خطاب به نماینده هرمزگانی دات نت) چرا شلوارتان جین است ؟

هرمزگانی دات نت : (با خنده) خوب عرف است .

مهراب بهرامی : خوب پس عرف موسیقی ما هم همین است که موسیقی هرمزگانی یعنی موسیقی مجلسی ، همه فکر می کنند موسیقی هرمزگان همین است که اکنون در مجالس و عروسیهایمان اجرا می شود .

هرمزگانی دات نت : مگر نمی توان به همین موسیقی مجلسیمان هم سروسامان بدهیم ؟

مهراب بهرامی : صد در صد ، شما توجه کنید که ما حتی یک گروه منسجم محلی در حال حاضر نداریم . اینجا نوازنده ها همدیگر را باور ندارند و طرد می کنند ، یک گروه محلی وجود دارد به نام نغمه که با یک عود و دهل و کسر اجرا می کند که خوب این نمی تواند نماینده موسیقی هرمزگان باشد موسیقی ما بسیار غنی تر از اینهاست .

ملودیهای بندرعباسی را حسین جسمی در امارات یکی یکی در حال اجرا و خوانندگی است و این خیلی افت است برای ما . حسین جسمی با بهترین نوازنده ها و در بهترین استودیوها کارهای ما را ضبط و اجرا می کند و ما در اینجا گروهی به نام سندی ترانه هایمان را به سرقت می برد و با ضعیفترین شکل ممکن اجرا می کند ، جای دور نمی رویم همین بغل گوش خودمان جناب آقای محمود جهان هنرمند !!! می خواند آبادان گلستان است و گلستان آبادان است ، خوب کسی نیست به این آقا بگوید خالو قنبر راستگو که هنوز زنده است که ترانه مینو گلستان را دزدیده ای و می خوانی ، چرا هیچکس نرفت از حق این پیرمرد دفاع کند ؟؟؟ به خدا ترانه مینو گلستان نه

وحشتناک است و نه مبتذل اگر مسئولین ما فقط کمی همت کنند به راحتی می توان این ترانه ها را ثبت کرد و سر و سامان داد من بارها به اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان نامه نوشته ام که برای تست صدا استودیو مهراب را مجانی در اختیار این اداره قرار خواهم داد اصلا استقبالی نشد از آن ، نامه ها را هنوز دارم . پس مشکل ما

از اینجاست وگرنه چند نوازنده گیتار در بندرعباس داریم؟ به جرات می گویم همین امروز اگر نوازنده های گیتار در بندرعباس را دور هم جمع کنیم تعدادشان از نوازنده های تهران بیشتر خواهد بود. هر کدام از خواننده های ما که توانستند تهران بروند و تریبون به دست بیاورند بهترین خواننده شدند. ما مرحوم ناصر عبداللهی را داشتیم که خود صاحب سبک بود، الان رضا صادقی را داریم، غلامرضا صنعتگر را داریم، حسن پیغان را داریم و سایر خواننده هایی که اکنون در حال مطرح شدن در کشور هستند. مشکل بزرگ اینجاست که در کشور ما کسی به شکل حرفه ای نمی تواند از موسیقی پول در بیاورد و این فقط مختص شهر و استان ما نیست، جشنواره ای برگزار شد و پس از اتمام هم گروهها خداحافظ. همدیگر را قبول نداریم به هیچ وجه، خوب اگر فلانی چند آکورد گیتار بلد نیست شما که بلدی یادش بده، به من می گوید فلانی میدی بلد نیست یه وقت یادش ندیا! خوب چرا یادش ندهم؟ می گوید فردا رو دستت می زند، خوب بزند این یعنی پیشرفت من، خدا رو شکر می کنم تا به حال هر کس نزد من آمده و سوالی در حیطه حرفه ام داشته آن چیزی که بلد بوده ام را در اختیارش گذاشته ام و از همین سایت اعلام می کنم هر کس چیزی از من پرسیده و به نحوی احساس کرده است که نخواسته ام به او پاسخ بگویم حتما به من گوشزد کند. و همین جشنواره نوروزی که ایراد همه دوستان از صدا بود، چرا؟ که بخواهند ضعفهایشان را بپوشانند؟ قبول کنیم که نوازندگیها در حد یک جشنوارک هم نبود و از مامبو لیوا بگذریم چون سالهاست در کنار هم تمرین می کنند و خواننده حرفه ای هم داشتند در گروههای دیگر چند نوازنده حرفه ای وجود داشت؟ شاید به زحمت سه یا چهار نفر مثل آقای فاضل پیش و مهدی جهانگیری و... .

هرمزگانی دات نت: اما حرف مردم در این جشنواره چیز دیگری بود آنها از کارهای تکراری خسته شده بودند.

مهراب بهرامی: دقیقا، خودم در کارهایم همیشه سعی کرده ام از تکرار دوری کنم و به خیلی از کارهای تکراری دست رزده ام، چرا کار همنشین ملائک هادی آرمین (از وقتی رفتی تنگه بندی) اینقدر وسیع مطرح شد، خوب حقیقت این است که کاری جدید بود. مردم دنبال کارهای جدید هستند جوان امروزی دیگر محمد حیدری گوش نمی کند.

و اما می خواهیم در مورد مشکلی صحبت کنم که به زعم دوستانم مشکل تاریخی صدابرداری زنده است و این مشکل زمانی رفع می شود که نوازنده ما درست نوازندگی کند و خواننده ما درست بخواند باید این دوستان در نظر بگیرند که در اجرای روی سن نمی توان اوتوتیون کرد و این مختص استودیوست اما خواننده ای که در اجرای زنده خارج می خواند باید این نکته را در نظر بگیرد که صدابردار پیامبر خدا نیست که معجزه کند و به طور زنده فالشی صدایش را لا پوشانی کند ، خوب اگر فکر می کنی صدا خراب است اجرا نکن . یک روز قبل از شروع جشنواره قرار بر این شد که جناب آقای . . . همکار من باشد خوب . . . نیست کجاست ؟ ... کجایی ؟ - : الان اتام (الان میام) نیم ساعت دیگر گذشت الان دیگر آقا موبایلش را هم جواب نمی دهد چرا ؟؟؟ - : فلانی آمده و من دیگر کار نمی کنم . دست ما را گذاشت تو حنا و یک روز قبل از جشنواره همه مسئولیتها به تنهایی به من واگذار شد . همه نوازنده ها در جشنواره مطلعند که اصلا قرار نبود من پیام چون برنامه زنده تلویزیونی شو و او شو را صدابرداری می کردم و من کارمند صدا و سیما هستم وظیفه ام این است که در برنامه باشم آن هم پخش زنده که هزار تا مسئولیت دارد روز سوم اجراها ساعت 21:30 شروع شد که از همکارم علی ترابی درخواست مساعدت کردم که آمد و خیلی هم زحمت کشید . بهترین سیستم را برای تالار شهید آوینی تهیه کرده اند اما اتصالاتش وصل نیست فرض کنید یک بنز الگانس به شما داده اند که چرخ ندارد شما هر کاره باشید نمی توانید آن را برانید آقای وحید حسن رضایی در گفتگو با هرمزگانی دات نت اظهار نظر کرده است که صدای حرفه ای می خواهد کاش ایشان به من صدای حرفه ای را تعریف می کرد تا من یاد می گرفتم و در آینده صدابرداری حرفه ای می شدم آخر من در استودیو می توانم نوازندگی ضد ضرب ایشان را درست کنم اما در اجرای زنده خوب مردم مستقیما با چشمهایشان می بینند و من کاری نمی توانم انجام دهم .

من صدا برداری زنده را در دبی و تهران هم کار کرده ام اما هیچگاه در آن واحد هشت گروه تغییر نکرده اند که هر کس از راه رسید جک گیتار را در بیاورد و سپس دیگری . مجری ما هنوز به همان شکل قدیمی اجرا می کند فقط معرفی می کند که الان گروه فلان اجرا دارد به آقای مهدی نظری پیشنهاد دادیم که مبلمان بگذارند و اجازه بدهند گروهها خودشان بیایند و کارشان را معرفی کنند و سپس اجرا . آیا موسیقی استان ما

این است که فلان خواننده بیاید پلی بک اجرا کند؟ موسیقی پلی بک توهین به شعور بیننده است.



آقای بهرنگ عباسپور اظهار نظر کرده اند افکتهای بیجا به صدا ، در حالی که اصلا ما هیچگونه افکتی نداشتیم نمی دانم ایشان چگونه صدای افکت شنیده اند بعید نیست کسی در نزدیکی ایشان صدایی در آورده که ایشان اشتباه شنیده اند و اینکه در جایی گفته است صدا افتضاح بود ، مردم حضور داشته اند در جشنواره و سوال من از مردم این است که آیا واقعا صدا افتضاح بود؟ بدون اغراق می گویم که بهترین صدابرداری کنسرت در بندرعباس همین صدا بود . هرمزگانی دات نت در گفتگوهایش پرسیده از لحاظ فنی و این دوستان ما هم از لحاظ فنی به یاد صدا و امکانات صدابرداری افتاده بودند . مرتضی کریمی با این همه تجربه در اجرای رضا نصیری که اتفاقا خوب هم اجرا می کرد ضد ضرب می زد و این دیگر از عهده صدابدار خارج است . هیچ اثری از موسیقی محلی ما در این جشنواره نبود و خانم ساحلی زادگان مجری محترم جشنواره به اشتباه به حضار اعلام می کند پبیه یک نوع حلب است . اینجا همه آمده بودند که فقط ایراد بگیرند من که عادت به کامنت گذاشتن ندارم در بلاگ سیاورشن

نظر دادم که مردم روشن شوند که اهداف این جشنواره این بود که موسیقی فراموش شده ما احیا شود چند جوان بیایند و اجرا کنند . مشکل دیگر صدابرداری این جشنواره مانیتورینگ ما بود . من از هیچ کس گله ندارم نه از آقای حسن رضایی و نه از آقای عباسپور که نام بردم ، بهرنگ عباسپور از تنوریسینهای خوب استان و افتخاری برای موسیقی ماست از تنها کسانی است که به صورت آکادمیک موسیقی می خواند و من در استودیو خیلی چیزها از ایشان یاد گرفته ام حالا به هر جهت راضی نبوده است و این مسایل نباید باعث شود که خدای ناکرده کسی مورد اهانت قرار گیرد و به نظر من کاظم نامی که در هر مزگانی دات نت اظهاراتی را در مورد ایشان نوشته اند کمی تندروی کرده اند و بیشتر بوی خصومت‌های شخصی میدهد .

آقای اسحق احمدی هم به هر حال با اینکه در تست صدا حضور نداشتند روی سن ما را مقابل مردم مورد لطف قرار دادند . تست صدا یعنی اینکه آقای مهدی جهانگیری خیلی حرفه ای آمدند روی سن و ظرف سی ثانیه صدا را تنظیم و تشکر کردند و رفتند ، تست صدا این نیست که گروه تمرین خود را به روی سن بیاورد . از مسئولین اداره ارشاد تقاضا دارم لا اقل یکی از آن اتاقهای تالار شهید آوینی را اختصاص دهند این گروهها برای فضای تمرینی از آن استفاده کنند .

هرمزگانی دات نت : صحبت پایانی ؟

مهراب بهرامی : صحبتی ندارم ، دوست دارم موسیقی استانمان به جایی برسد و این توقع همه است دوستان همگی باید دست به دست هم بدهند و از حواشی فاصله بگیرند اگر من حرفهایی هم در این گفتگو زدم و غیر حرفه ای بود ابتدا عذر خواهی می کنم و سپس اینکه شاید توجیهی باشد تا در آینده دیگر به چنین مشکلاتی برنخوریم .

من به آینده امیدوارم ، خیلی نا امید بودم و می خواستم به همانجایی که بودم برگردم فلسفه استودیوی مهراب این است اعتلای موسیقی اصیل هرمزگان ، خودم شخصا در مورد موسیقی استان تحقیق داشته ام مثلا در مورد ساز جفتی که در آینده آن را ارائه خواهم داد . اما برای تغییر ابتدا خود انسان باید تغییر کند **إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ** **يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ** اگر کسی خودش را درست نکند در هیچ زمینه ای پیشرفت نخواهد کرد این حرف آخرم بود .

M bahrami@irib.ir
Mehrab79@yahoo.com

اردیبهشت ماه 1387

[**www.Hormozgani.net**](http://www.Hormozgani.net)